

ساخت موشکهای دور پرواز و مناظر فقر و فساد و نیاز!!

شهر یار شاعر بزرگ معاصر در شعر پر معنای پیام به انیشتن که از جنگ و ساخته شدن بمب اتمی سخت آشفته و نگران است می‌سراید: «چه می‌گویم؟! مگر مهر و وفا محکوم اضمحلال خواهد بود، مگر آه سحر خیزان سوی گردون نخواهد شد، مگر یک مادر از دل وای فرزندم نخواهد گفت... انیشتن بغض دارم در گلو دستم به دامان نبوغ خود به کار التیام زخم انسان کن... انیشتن یا فراتر نه جهان عقل هم طی کن کنار هم بین موسی و عیسی و محمد را... مردمی که در کش و قوس بررسی اخبار خونین روزانه و بی‌رحمی‌های رویه افرازش درمانده شده‌اند از طریق رسانه‌های عمومی با خبر می‌شوند که، به نشانه‌ی پیروزی‌های جدید علمی و اثبات تواناییهای مالی و تکنیکی باز هم در کشور ما موشک و ماهواره هوا کرده‌اند و پس از آن بحث و تفسیر و آفرین گویی به خود، اوج مخصوص پیدا کرده است؛ در صورت تأیید صحت تمام خبرها و شادمانی مسئولان و دانشمندان ناشناس، حق این است که همه صلح طلبان عالم نیز سایه شعله و روشن آتش خصومت‌های دیرینه را ببینند و برای جلوگیری از توسعه ناپرهی جنگها تلاشهای بیشتری بعهده بگیرند و از خود بی‌سند آبرهبران جوامع رشد نیافته باید تمام عمر کوتاه ملت‌های خود را با نکبت و بدبختی و دلهره جنگ و کشتار تلف نمایند و از لذت آزادی و رفاه بی‌بهره بمانند؟

از موضوع جنگ و خونریزی به یاد می‌آوریم که در دولت شادروان دکتر مصدق با وجود آنکه برنامه کار عبارت بود از: اجرای قانون ملی شدن صنعت نفت و اصلاح قانون انتخابات مجلس شورای ملی، ولی عملاً آن دولت از انجام اصلاحات ضروری و تهیه و تصویب قوانین مورد نیاز غافل نماند و از آنجمله نام وزارت جنگ را به وزارت دفاع ملی تبدیل و اصلاح نمود؛ این اصلاح به ظاهر کوچک در پی تفکر و نیت بزرگی بود او می‌خواست در برابر خشونت‌ها و بی‌رحمی‌های جنگ افروزان فرهنگ نرمش و مسالمت و مذاکره را در اذهان بنشاند و حتی الامکان توسل به جنگ را تقبیح نماید. رییس دولت ملی با صداقت و اطمینان خاطر می‌گفت ملتی که هنوز اکثریت آن از حداقل وسایل رفاه و سلامت و امنیت محروم است و غالباً برای به دست آوردن یک لقمه نان و رستاییان به شهرهای بزرگ روی می‌آورند، آنان با چه کس و کدام ملتی اختلاف نظر و سر جنگ دارند و هزینه‌های کمر شکن جنگ‌های ولو کوتاه مدت را از کدام محل می‌خواهند تأمین نمایند؟ اساساً کشورهای ضعیف که به هزاران دلیل از لحاظ دانش و صنعت و سلامت و رفاه عقب‌تر از دیگران هستند چرا باید در حالت مسابقه و لجاجت، بودجه‌های محدود و مربوط به تغذیه، تحصیل، درمان و بهداشت... را صرف اسلحه سازی و تلو بیحا اعلام آمادگی برای جنگ و ویرانگری نمایند اختلاف و عناد کشورها بر سر چیست؟ هر کدام از کشورها مگر در محدوده و مرزهای مشخص با قوانین و علائق خاص تعریف نشده‌اند این مشخصات بعلاوه موضوع استقلال آنها در کارنامه جهانی‌شان تبت

نگریده است؟ پس اختلاف اساسی و ناسازگاری کشورها از چه بابت و چه نوعی است که آنها را مجبور می‌کند روی روی هم قرار گیرند و به زور و زبان اسلحه با هم گفتگو نمایند. آیا برای رفع اختلاف شروع جنگ و کشتار به حقیقت آخرین درواست! پاسخ این است که مسلماً خیر اما به شرطی که صلح خواهان بانفس گرم خود اندیشه‌های توسل به جنگ و خونریزی را از اذهان عوام و خواص پاک کنند و جنگ افروزان از تبلیغ برای کینه و رزوی و قهرمان بازی دست بکشند و آنگاه ندای صلح خواهی و مهر بانی از زبان انسانی به گوش انسان دیگر برسد؛... در این میان رعایت اولویت در برنامه‌هایی که کشورها در نظر دارند، بی‌شک از اهمیت ویژه برخوردار است. در موقعیتی که تورم، بیکاری و عدم مراعات نظم و انصاف در مبادلات تجاری چون هیولایی دهان باز کرده است پیر و جوان ملت هر یک به گونه‌ای در تنگنای نارضایتی‌ها بسر می‌برند چگونه صرف هزینه‌های گزاف و باور نکردنی مانند موشک بازی تفسیر و توجیه می‌شود؟ ضرب المثلی قدیمی آذربایجانی می‌گوید: «خدا را شکر تمام وسایل مورد نیاز برای سفر را در براق اسب جمع کردیم و تنها چیزی که باقیمانده‌شده مخصوص ریشمان است» ظاهراً ما نیز در حرکت کاروان زندگی تمام مشکلات و موانع طبیعی را به ترتیب اولویت حل کرده و کارها را سامان داده ایم و غم و غصه‌ای دیگر نداریم الا کمبودهایی مانند موشک‌هایی که هر یک تصویری کنیم - روزی به دردمان خواهد خورد و ساختن ماهواره‌هایی که به کوری چشم دشمنان باید هوا کنیم و مسلط بر اموال تبلیغات باشیم؛ بدین ترتیب اگر مسئولان اداره کشور معتقد هستند از هزاران معضل پیچیده مردم تنها ساختن موشک و ماهواره به دست خودمان باقی مانده است، الحق باید به خوش باوری و همتشان آفرین و درود فرستاد، اما در این میان حافظ هم سخنی از زبان ملت دارد و می‌گوید:

داشتم دلقی و صد عیب مرا می‌پوشید خرقه رهن می‌و مطرب شد و زار بماند

سکولاریسم، لائیسسیسم، آته ایسم

از قرن پنجم میلادی و به دنبال خاموشی امپراتوری روم غربی به تدریج استیلا کلیسا بر کشورهای اروپایی استوار شد و حکومت‌های دینی در این کشورها برقرار گردیدند و روحانیون مسیحی مستقیماً و یا غیر مستقیم توسط سلاطین و امیران دست نشانده خود بر سرنوشت ملت‌ها حاکم گردیدند این سلطه حکومت‌های دینی بیش از ده قرن ادامه یافت که این قرون در تاریخ جهان به نام دوران سیاه قرون وسطی ثبت گردید در این دوران حکمرانان مذهبی به نام دین مظلوم و ستم‌های فراموش ناشدنی را بر مردم روا داشتند و کار حتی به تفتیش عقاید و انگیز یسیون رسید از قرن پانزدهم جنبش‌ها و خیزش‌های مردمی در برابر سلطه کلیسا آغاز گردید و طی دو قرن تدریجاً تکامل یافت و حکومت‌های متعارف جایگزین حکومت‌های دینی گردیدند و این دورانی است که به نام رنسانس یا رجعت به

دموکراسی و مردم‌سالاری شناخته می‌شود با آغاز رنسانس با توجه به صدمات و خساراتی که در دوران سلطه حکومت‌های دینی به مردم وارد آمده بود تفکر حمایت از حکومت‌های متعارف و غیر دینی و جدایی دین از حکومت نضج گرفت و برای اولین بار در سال ۱۸۴۱ توسط جورج زا کوب هولیویک و آزه سکولاریسم به معنی مکتب اعتقاد به جدایی دین از حکومت بکار رفت فرد معتقد به سکولاریسم سکولار نامیده می‌شود سکولاریسم به هیچ وجه به معنی مخالفت با ادیان و یا عدم قبول آنها نیست بلکه تنها به عدم دخالت دین در حوزه حکومت اعتقاد دارد چه بسا شخص سکولار فردی معتقد به مذهب و حتی به شدت مذهبی هم باشد ولی در عین حال به عدم دخالت دین در حکومت معتقد است سکولاریسم حتی تظاهرات دینی و انجام مراسم مذهبی را در حوزه اجتماع مجاز می‌شمرد و یا آنها مخالفتی ندارد. لائیسسیسم مکتبی است که همچون سکولاریسم به جدایی دین از حکومت معتقد است ولی با دیدی سخت گیرانه‌تر نسبت به دین و ظواهر دینی می‌نگرد لائیسسیسم نه تنها دخالت دین در حکومت را نمی‌پذیرد بلکه انجام مناسک و تظاهرات مذهبی را در جامعه قبول ندارد ضد دین نیست ولی به کار بردن علائم و ظواهری را که به ادیان مختلف مربوط می‌شود در عرصه اجتماع خطا می‌داند بعنوان مثال لائیک‌ها پوشش اسلامی را برای بانوان مسلمان در عرصه جامعه بر نمی‌تابند همچنانکه نمایش دادن صلیب را برای مسیحیان و یا سر گذاشتن عرقچین و یزه یهودیان و یا نمایش و پردازش مجسمه بودا را برای بوداییان در پهنه جامعه قبول ندارند و اینگونه امور اعتقادی را مربوط به زندگی خصوصی افراد و در خلوت آنها می‌دانند و کشیده شدن آنها را در سطح جامعه مدنی نادرست می‌پندارند.

آته ایسم مکتب فکری ضد دین است که خدا را قبول ندارد و بنابراین با همه ادیان الهی مخالف است. آته ایسم طرز تفکری است که نه تنها دین را نمی‌پذیرد بلکه با دین و اعتقاد دینی در جامعه مبارزه می‌کند و بنابراین حساب آن کاملاً با لائیسسیسم و سکولاریسم جداست.

سپاس
تجهم‌علی ایران

نشریه داخلی پیام جبهه ملی ایران

با یاد
دکتر مهدی آذر و اصغر پارسا

www.jebhemelliiran.org
E-mail: hejmi85@yahoo.com